

شُد بـ علامه دوانی ختم سـرگـنه حقایق اشیاء
جـستی بـود مـجلس درش جـستش بـاد مـنزل و مأوی^۱

ملا محمد جعفر دوانی اوّل

بعد از وفات ملا جلال‌الدین دوانی، مردم دوان تقریباً به طور یکدست شیعه شده بودند و از نیمه قرن دوازدهم هجری قمری، دوان مهد علمای شیعه گردید به طوری که در طول شش نسل و بخصوص در قرن سیزدهم هجری علمای بزرگی از دوان برخاستند. از اولین علمای طراز اول دوان بعد از ملا جلال‌الدین دوانی، ملا محمد جعفر دوانی اول است که عالمی وارسته بوده است. او مقدمات علوم را در دوان فراگرفت و سپس نزد علمای اخباری تعلیم یافت و پس از اتمام دوره‌ای از تحصیل به زادگاه خود دوان برگشت.

ملا محمد جعفر دوانی اول در دوان به رتق و فتق امور دنیوی و شرعی پرداخت و پیشنهاد عمده دوان بوده است. در واقع از زمان این شیخ بزرگوار به بعد بود که به آموزش دینی در دوان اهمیت خاصی داده شده است. نمودار ۱-۱۳ سلسله علمای شیعه دوان را بعد از دوره ملا جلال‌الدین دوانی نشان می‌دهد. همان‌طور که از نمودار بر می‌آید علمای دوان عمده‌تاً با یکدیگر به لحاظ سببی یا نسبی ارتباط خویشاوندی داشته‌اند و همگی از اعقاب ملا محمد جعفر دوانی اول بوده‌اند.

ملا عبدالصاحب دوانی اوّل

ملا عبدالصاحب دوانی اول نزد پدر خود ملا محمد جعفر دوانی اول مقدمات صرف و نحو را فراگرفت و سپس برای تکمیل معلومات دینی خود به نزد علمای اخباری آل عصفور که در بحرین ساکن بودند رفت و در محضر ایشان کسب فیض نمود. سپس ملا عبدالصاحب به دوان مراجعت نمود و بعد از فوت پدر به سمت پیشنهاد و قاضی دوان منصوب گردید. او در دوان به حل مسائل شرعی عملیه مشغول بود و ضمناً به تعلیم فرزند خود ملا محمد جعفر و فرزندان او

عبدالصاحب و محمدرضا پرداخت. دیگر از علمایی که دست پرورده او بوده شیخ محمدنبی دوانی است که داماد ملامحمد جعفر ثانی است. ملاعبدالصاحب دوانی در اواخر قرن دوازدهم هجری قمری به رحمت ایزدی پیوست و از دار دنیا رخت بر بست.

ملامحمدجعفر دوانی ثانی

ملامحمدجعفر دوانی ثانی فرزند ملاعبدالصاحب دوانی اول از علمای بنام دوان است. این شیخ در يك خانواده روحانی در دوان متولد شد و در مکتب پدر تعلیم یافت. در زمان او علمای اخباری برای احیای مکتب اخباری تلاش مجدد نمودند. ملامحمد جعفر دوانی ثانی معاصر شیخ محمدبن عبدالنبی نیشابوری (کسی که قصد احیای مکتب اخباری را داشت و معروف به شیخ محمد اخباری بود) بوده و با او محاوره داشته است. اگر چه در دوره او مکتب اصولی گسترش پیدا کرده بود و علمای اصولی همچون علامه سیدمهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء بر مدارس علمیه مسلط بودند و شیخ احمد احسانی مکتب شیخی را پایه ریزی کرده بود، اما ملامحمدجعفر دوانی ثانی همچنان بر مکتب اخباری اصرار می‌ورزید و تا پایان عمر در آن مکتب باقی ماند.

ملامحمدجعفر دوانی از علمای بزرگ منطقه بوده و در ترویج علوم دینی در دوان و کازرون کوشش فراوان نمود، به طوری که سه شیخ بزرگوار در مکتب او تعلیم یافتند که بعدها هر کدام از علمای بزرگ شدند. از آن جمله است مرحوم حاج ملاعبدالصاحب دوانی ثانی و آخوند ملامحمدرضا دوانی که فرزندان او بودند و شیخ محمدنبی دوانی که داماد ملامحمدجعفر ثانی بوده است. ملامحمدجعفر دوانی ثانی صاحب تألیفات زیادی بوده است که یکی از مهمترین آثار او که به دست ما رسیده شرح مختصر است.^۱ این رساله شرحی است بر کتاب *مختصر النافع* مرحوم محقق حلی. رساله شرح مختصر جزء کتب عملیه مرحوم ملامحمدجعفر ثانی است که به عربی به قطع رقعی در ۱۹۵ صفحه نوشته شده و شامل پنج قسمت است: قسمت اول کتاب الطهاره، قسمت دوم کتاب الصلوة، قسمت سوم کتاب الزکوة، قسمت چهارم کتاب الخمس و

(۱) نسخه خطی این رساله به خط نستعلیق نیمه شکسته معمولی به دست آخوند ملامحمدرضا دوانی نوشته شده است.

بالاخره قسمت پنجم کتاب الصوم، کتاب مزبور يك كتاب جامع در مورد اصول عملی است و مسائل را به صورت جزئی مطرح و تشریح نموده است. نوشتن این کتاب را مرحوم ملامحمد جعفر دوانی ثانی در سوم شهر رمضان ۱۲۲۵ هجری قمری به پایان رسانیده است. ملامحمد جعفر دوانی ثانی تا پایان عمر در دوان به رتق و فتق امور شرعیه پرداخت و بالاخره در ماه ربیع الاول سنه ۱۲۴۵ هجری قمری رخت از جهان بر بست و جسد شریفش را با تشریفات خاص در قبرستان زیر زیتون دوان به خاک سپردند.

حاج ملاعبدالصاحب دوانی ثانی

حاج ملاعبدالصاحب دوانی ثانی فرزند ملامحمدجعفر دوانی ثانی کنیه اش ابوالحسن بوده و در دوان متولد شده است. پله‌های مقدماتی علوم دینی را در دوان نزد پدر بزرگ و پدرش فرا می‌گیرد و سپس برای تکمیل معلومات خود به نزد علمای آل عصفور می‌رود. او بعد از تکمیل معلومات خود به دوان مراجعت می‌کند و در مدتی کوتاه به درجه‌ای والا می‌رسد به طوری که در وصف او آمده است «مرحوم مغفور خلد آشیان عالم عامل و عارف کامل زین العلماء المحدثین و نخبه العرفاء المتقین ذی الحدس الصائب الحاج ملاعبدالصاحب الدوانی (طاب الله ثراه)... و آن مرحوم صاحب علم و عمل و تقوی و ورع و اخلاق و سایر خصال حمیده بلکه از اهل حال و مستجاب الدعوه و وحید عصر خود بوده.^۱ مرحوم حاج ملاعبدالصاحب دوانی ثانی ابتدا بر مکتب اخباری بوده و صاحب اجازه از مشایخ آل عصفور^۲ بخصوص عالم ربانی مرحوم شیخ احمد بن شیخ محمد آل عصفور بوده، و سایر فقها و محدثین همچون میرزا محمد اخباری نیشابوری که از افضل علما و مرجع مسلمین در زمان خود بود، به مرحوم ملاعبدالصاحب دوانی اجازه داده‌اند.

حاج ملاعبدالصاحب دوانی ثانی در سفری که به مکه داشته است در اثر برخورد و ملاقاتی که با سؤمین مرجع تقلید مکتب شیخیه داشته به مکتب شیخی می‌گراید و لذا تفکر و برداشت او علاوه بر تأثیر گرفتن از مکتب اخباری، تحت تأثیر اصول مکتب شیخی هم بوده است. این

تأثیرات را می‌توان از نوشته‌های او در دو دوره مختلف مشاهده کرد.

مرحوم شیخ محمدعلی دوانی در رساله خود بیان می‌کند که مرحوم حاج ملاعبدالصاحب دوانی ثانی صاحب تصانیف فائمه و تألیفات راتقه بوده که به قدر یکصد و پنجاه رساله است.^۱ تعدادی از رسالات و کتب آن مرحوم به دست ما رسیده است که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- رساله در صفات ثبوتیه و سلویه، ۲- رساله در فرق سنن اصولی و اخباری ۳- رساله سفینه النجات،^۲ ۴- رساله ماء الحیوة و ۵- رساله زکوة.

بر اساس برداشتی محکم از راه حق است که مرحوم حاج ملاعبدالصاحب دوانی ثانی اصل دین را معرفت خدای تعالی و راه رسیدن به چنین معرفتی را اطاعت از خداوند می‌داند که وسیله آن پیامبر و دوازده معصوم و علمای بر حق‌اند. این امر را آن مرحوم به بهترین وجه در مقدمه رساله سفینه النجات خود آورده است.^۳

مرحوم حاج ملاعبدالصاحب دوانی ثانی اگر چه دارای سبکی مستقل در بر داشت از علوم الهی بوده است، اما از زمانی که با علمای شیخیه آشنا می‌گردد بیشتر به سبک ایشان با مسائل برخورد می‌کند. این امر را در رساله ماء الحیوة خود به نحو احسن نشان داده است و اصرار بر آن است که قبول حق بر چهار رکن استوار است.

حاج ملاعبدالصاحب الدوانی ثانی در تاریخ جمادی‌الثانی ۱۲۷۱ هجری قمری در دوان از دار دنیا رفت و جسد شریفش را با احترامی خاص در بقعه «شیخ عالی» بالای سر شیخ علی بن احمد الخطیب به خاک سپردند. دوانی‌ها حاج ملاعبدالصاحب دوانی را صاحب کرامات دانسته و معتقدند که مقبره این شیخ بزرگوار «... مکرر در شبهای جمعه نور باران شده...»^۴ مقبره او زیارتگاه دوانی‌های اهل صفای باطن است و بر آن نذر و نیاز می‌کنند.

(۱) همانجا.

(۲) رساله دیگری به همین نام وجود دارد که تألیف ملاحسن فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۱ ه ق) است.

(۳) دوانی، ۱۲۸۲ - ۲۰۱.

(۴) دوانی، ۱۳۴۹، ۴۵۵.

آخوند ملامحمدرضا دوانی

آخوند ملامحمدرضا دوانی فرزند ملامحمدجعفر دوانی ثانی در خانواده‌ای روحانی در دوان متولد شد. در ایام کودکی با برادرش ملاعبدالصاحب، نزد پدر عالم و فاضل خود مقدمات صرف و نحو را فراگرفت و سپس نزد علمای آل عصفور به تکمیل معلومات دینی و عقلی خود پرداخت. ایشان صاحب اجازه از علمای اخباری آل عصفور بوده و صاحب روضات و کتب و رسالات بوده است. آن مرحوم دارای خط نستعلیق نیمه شکسته معمولی بوده و نمونه خط آن را در نسخه برداری شرح مختصر می‌توان دید. آخوند ملامحمدرضا دوانی تا حوالی سنه ۱۲۷۰ هجری قمری در قید حیات بوده است.

شیخ محمدنبی دوانی

یکی دیگر از علمای بزرگ دوان که دست پروده ملامحمدجعفر دوانی ثانی و در ضمن داماد او بود، آقا شیخ محمدنبی دوانی است که هم دوره مرحوم حاج ملاعبدالصاحب و آخوند ملامحمدرضا دوانی بوده است. این شیخ بعد از اتمام دوره اولیه تحصیلات دینی خود، برای مطالعه علوم معقول و منقول به نزد علمای آل عصفور رفت و از آنها صاحب اجازه بوده است. در مراجعت به دوان به رتق و فتق امور شرعیه مشغول بوده و سعی وافر در تعلیم طلاب از آن جمله فرزند خود مرحوم آقا شیخ محمدعلی دوانی نموده است. وجود علمایی چون شیخ محمدنبی دوانی و ملاعبدالصاحب و آخوند ملامحمدرضا، جوّی علمی در دوان بوجود آورده بود که حاصل آن پرورش تعداد زیادی از علما در دوان بوده است.

آقا شیخ سلیمان دوانی اول

آقا شیخ سلیمان دوانی اول فرزند ارشد مرحوم حاج ملاعبدالصاحب دوانی ثانی است که از علمای بنام دوان بوده و پس از اتمام مقدمات صرف و نحو نزد پدر در دوان، به نزد علمای آل عصفور می‌رود و در مکتب اخباری آموزش می‌یابد. از آنجایی که سه برادر دیگرش (آقا ملامحمدعلی دوانی، آقاشیخ عالی دوانی، آقاملامحمدجعفر دوانی ثالث) همگی عالم بودند، آقا شیخ سلیمان توانسته بود جوّ علمی حاکم در خانواده را به سمت هر چه پر بارتر نمودن فضای

دینی دوان سوق دهد. این شیخ صاحب تألیفاتی هم بوده است.

آقا ملامحمدجعفر دوانی ثالث

ملا محمدجعفر دوانی ثالث فرزند حاج ملا عبدالصاحب دوانی ثانی روز جمعه نهم ماه مبارک رمضان ۱۲۵۰ هجری قمری در خانواده‌ای روحانی در دوان متولد شد. از همان کودکی استعدادی عجیب داشت و در زمان حیات پدرش مقدمات صرف و نحو و پایه‌های علوم دینی را نزد پدر و عموی خود (آخوند ملا محمد رضا دوانی) فراگرفت. بعد از فوت پدر در سال ۱۲۷۱ هجری قمری برای تکمیل معلومات دینی خود نزد شیخ خلف بن آل عصفور که از علمای اخباری بود، رفت و تا سال ۱۲۸۵ به مدت ۱۵ سال نزد او به تحصیل علم پرداخت. در مراجعت به دوان او همچنان بر مکتب اخباری بود اما بعدها شیخی می‌شود و جالب اینجاست که یکی از فرزندان او به نام «ملا عبدالله دوانی» بعدها پیرو مکتب اصولی می‌گردد و فرزند دیگرش آقا شیخ محمدباقر پیرو مکتب شیخی می‌شود.

آقا ملامحمدجعفر دوانی ثالث پس از مراجعت به دوان علاوه بر رتق و فتق امور شرعیه، مشکلات مربوط به امور دنیوی اهالی دوان از جمله خرید و فروش باغها و خانه‌ها را هم حل و فصل می‌نموده است. به عبارت دیگر نزاع‌های ملکی را به طریق شرعی حل می‌نموده است. ملا محمدجعفر، شیخی فاضل و متفکری زبردست بوده است. او صاحب تألیفات متعددی بوده است که از میان آنها چند جلد که عمدتاً عربی است بدست آمده است. یکی از علائق او در تألیف کتب در زمینه کتب عملیه بوده است به طوری که از ایشان چهار ساله عملیه بدست آمده است. آن مرحوم علاوه بر تألیف و حل مسائل شرعی به تعلیم و تربیت طلاب علوم دینی مشغول بوده است. به همین لحاظ دارای کتابخانه‌ای عظیم بوده و در هنگام مطالعه آنچنان در میان کتب می‌نشست که گوئی در سنگری از کتاب بسر می‌برد. کتب ملا محمدجعفر دوانی ثالث به طور مشترک با برادرش آقا ملامحمدعلی دوانی وقف بوده است. یکی از خدمات ارزنده آن مرحوم نسخه برداری از کتب خطی بوده است. ایشان این عمل نیکوی اسلامی را هم به هر دو فرزندش (آقا ملا عبدالله و آقا ملامحمد باقر دوانی) آموزش داده بود و آن دو فرزند در نسخه برداری کتب ید طولایی داشته‌اند. دیگر از خدمات ارزنده مرحوم ملا محمدجعفر دوانی ثالث تأسیس

يك مسجد در دوان است که معروف به مسجد ملامحمد جعفر است و او خود نیز پیشماز آن مسجد بود.

ملا محمد جعفر دوانی ثالث بعد از ۷۹ سال عمر در ماه رجب از سال ۱۳۲۹ هجری قمری در دوان به رحمت ایزدی پیوست و جسد شریف آن مرحوم را با احترامی خاص در بقعه شیخ عالی پایین پای مرحوم جلال‌الدین دوانی به خاک سپردند. پیران دوان از ملامحمد جعفر دوانی ثالث به عنوان شیخی وارسته یاد می‌کنند و معتقدند که او خدمات ارزنده‌ای به دوان کرده است.

آقا ملامحمد علی دوانی

آقا ملامحمد علی دوانی فرزند حاج ملا عبدالصاحب دوانی ثانی است که در دوان متولد شد. او مقدمات علوم را نزد پدر بزرگوار خود به پایان رساند. در عنفوان جوانی بود که پدر خود را از دست داد و با دنیایی از مطالب سوال برانگیز روبرو شد. از يك طرف آثار نوشته شده دوران اخباری بودن پدر را در دست داشت، از طرف دیگر اصولیان گسترش پیدا کرده بودند و بالاخره آثار دوران شیخی شدن را در پیش رو داشت. ابتدا در سال ۱۲۸۰ هجری قمری برای آگاهی حاصل کردن از مکتب شیخی يك سلسله سؤالات جامع (۸۷ سؤال) از محضر حاج محمد کریم خان کرمانی (سومین مرجع تقلید شیخیه) نمود سؤالات به زبان عربی بوده و جوابها نیز به زبان عربی به صورت رساله فی جواب الملامحمد علی الدوانی در مجموعه الرسائل ۶۷ تألیف حاج محمد کریم خان کرمانی در چاپخانه سعادت کرمان به چاپ رسیده است.

از طرف دیگر با مراجعت آقا شیخ عالی ثانی از کرمان در سنه ۱۳۰۰ هجری قمری آقا ملامحمد علی دوانی به نجف رفته و تا اواخر سال ۱۳۰۴ هجری قمری در نجف اشرف ماند و پس از مراجعت از نجف برای آقا ملامحمد علی دوانی يك دسته سؤال جدید در رابطه با مکتب شیخی مطرح گردید که ایشان در سال ۱۳۰۷ هجری قمری سؤالات را به محضر مرحوم حاج محمد خان کرمانی (چهارمین مرجع تقلید شیخیه) ارسال کرد. سؤالات از «وجوب صلوة جمعه در غیبت امام علیه السلام یا عدم وجوب و از تقلید میت»^۱ بوده است. جوابها به صورت رساله

دوانیه که در مجمع الرسائل ۵۳ به فارسی در چاپخانه سعادت کرمان به چاپ رسیده است. ظاهراً پاسخها در هر دو مرحله مرحوم آقا ملامحمدعلی دوانی را قانع نمی‌کند و ایشان نهایتاً بر مکتب اصولی باقی می‌ماند.

این شیخ بزرگوار و وارسته نه تنها مسائل شرعی و دنیوی اهل دوان را رتق و فتق می‌نموده، بلکه اهالی کوهمره نودان نیز بر او اقتدا می‌کرده‌اند. در دوان محل نماز جماعتش بقعه شاه سلیمان بوده است. اگر چه اهل منبر نبود، اما تألیفات او از سطح بالایی برخوردار بوده است. آثار و تألیفات متعددی داشته که در علوم مختلفه بوده است. مهمترین آنها عبارتند از:

۱ - شرح عوامل، ۲ - رساله در صرف و نحو عربی، ۳ - رساله واضح الدلالات، ۴ - القضاة اربعه، ۵ - حجاب‌بردی، ۶ - خواب نامه، ۷ - الرساله فی فضایل امیرالمؤمنین و سایر الاثمه. کتابت مرحوم ملامحمد علی دوانی بسیار زیبا بوده و دارای خط نسخ ساده به شیوه ایرانی بوده است. عمدتاً رسالات مرحوم پدرش را با خطی زیبا نسخه برداری می‌نموده است.

آقا ملامحمد علی دوانی در ماه رجب سال ۱۳۳۳ هجری قمری در دوان به رحمت ایزدی پیوست و پس از غسل، جسد شریفش را به بقعه شیخ عالی برده در جوار (سمت چپ مقبره) شیخ علی بن احمد الخطیب به خاک سپردند. تقوای مرحوم ملامحمد علی دوانی نه تنها نزد اهالی دوان زبانزد است بلکه مقلدین او در کوهمره نودان از او به نیکی یاد می‌کنند.

آقا شیخ عالی دوانی

آقا شیخ عالی فرزند حاج ملاعبدالصاحب دوانی ثانی در ظهر روز سه‌شنبه بیست و چهارم ماه جمادی الاول سنه ۱۲۶۰ هجری قمری در دوان متولد شد. تعلیمات و آموزشهای اولیه را نزد پدر روحانی خود فراگرفت و کودکی بسیار باهوش بود. هنگامی که پدر بزرگوارش از دنیا رفت عالی تنها ۱۱ سال داشت. با وفات پدر، شیخ عالی دوانی با دریای بیکران علوم مختلفه از دیدگاه مکاتب سه‌گانه روبرو شد. بالاخره تصمیم گرفت برای آشنایی از سیر مکتب سفر را مهیا و خود را برای فراقی طولانی از موطن و وصالی همیشگی به مکتبی جدید آماده سازد. پس از رسیدن به کرمان در مدرسه ابراهیمیه در محضر درس علمای شیخی حاضر شد. ابتدا نزد حاج محمدکریم خان کرمانی و سپس نزد حاج محمدخان کرمانی به تفحص در علوم عقلی و نقلی پرداخت.

آقا شیخ عالی دوانی مورد احترام علمای شیخیه قرار گرفت.^۱

آقا شیخ عالی بیشتر مواقع در قریه لنگر از توابع کرمان بوده و در آرامشی نسبی سعی در تمرکز افکار می‌نموده است. تا اواسط سنه ۱۳۰۰ هجری قمری (یعنی تا ۴۰ سالگی) در کرمان مشغول تحصیل بوده و در این سال است که آهنگ بازگشت به دوان می‌کند. در ایامی که در کرمان بود حس کنجکاوی او را بر آن داشت که از اساتید خود سؤالاتی بنماید.^۲

پس از مراجعت آقا شیخ عالی دوانی به دوان، محیط بحث و مجادله دینی در دوان بالا گرفت و علمای دوان شروع به سؤال نمودن از علمای شیخی کرمان نمودند.^۳ آقا شیخ عالی اهل منبر بوده و در بقعه شاه سلیمان مردم را به فضیلت محمد و آل محمد (ص) دعوت می‌کرده است.

آقا شیخ عالی دوانی دارای تألیفاتی است که عمدتاً زمانی که در کرمان به سر می‌برده به رشته تحریر درآورده است. از مهمترین کتب او یکی رساله علام الغیوب در دلیل وجوب طلب علم است که در اواخر صفر ۱۳۰۰ هجری قمری نوشته؛ دیگری رساله مدارک و سومی مختصر ارشاد علامه است. آقا شیخ عالی دوانی علاقه زیادی به جمع‌آوری کتب داشته و اگر چه تعداد کتب او به پای تعداد کتب مرحوم ملا محمد جعفر ثالث نمی‌رسد، اما بیش از ۱۰۰۰ جلد کتاب در خانه خود داشته است.

آقا شیخ عالی دوانی دارای دیدگاهی محکم بر اساس آیات و اخبار در مورد مسائل عمده بوده است. دیدگاههای او را می‌توان به طور وضوح از کتاب مختصر علام الغیوب او استخراج نمود.

آقا شیخ عالی دوانی در دوان به رحمت ایزدی پیوست و پس از تشریفات جسد شریفش را به بقعه شیخ عالی برده و در بالا سمت چپ مقبره حاج ملا عبدالصاحب دوانی ثانی به خاک سپردند.

(۱) نسخه اصلی این رساله در کتابخانه شخصی اینجناب عبدالعلی لهسانی زاده موجود است.

(۲) ضیا ابراهیمی، ۱۳۶۷: ۱۵۲، ۱۵۸، ۲۳۸

(۳) آقا ملا محمدعلی دوانی در سنه ۱۳۰۷ قمری، آقا ملا عبدالله دوانی در سنه ۱۳۱۰ قمری و شیخ محمدعلی دوانی در سنه ۱۳۲۵ قمری از محضر علمای شیخی در کرمان سؤالاتی ایراد می‌نمایند.

آقاملا محمدحسین دوانی

حاج ملا محمدحسین دوانی فرزند آخوند ملامحمدرضا دوانی در محرم سال ۱۲۵۲ هجری قمری در دوان متولد شد. مقدمات علوم را نزد پدر فراگرفت و در مکتب عمومی خود حاج ملا عبدالصاحب دوانی ثانی به درجات عالیہ رسید. زمان این شیخ بزرگوار ایامی پرمجادله و بحث‌انگیز در دوان بوده است. ملامحمد حسین به تعلیم و تربیت اهمیت زیادی می‌داد و پیوسته مشتاق بود که طلاب زیادی را تربیت کند. به همین لحاظ است که هر سه فرزند پسر خود را تعلیمات دینی می‌آموزد

مرحوم حاج ملامحمدحسین دارای تألیفاتی هم بوده و در خط، شیوه ثلث و نسخ داشته است. کتب زیادی را نسخه برداری می‌نمود و دارای کتابخانه‌ای قابل توجه است. ملا محمدحسین چندین بار به مکه مشرف شد و بالاخره در سفر مکه از دنیا رفت.

آقا شیخ محمد علی دوانی

آقا شیخ محمدعلی دوانی فرزند شیخ محمدنبی دوانی در دوان متولد شده مقدمات علوم را نزد پدر بزرگوارش فراگرفت و در محضر آقاملامحمدجعفر دوانی ثالث درجات عالیہ را طی کرد. ابتدا تابع علمای آل عصفور بود، اما با مراجعت آقا شیخ عالی دوانی از کرمان، آقا شیخ محمدعلی تحت تأثیر او شیخی شد.

آقا شیخ محمدعلی دوانی عالمی فاضل و اهل تحقیق بوده است. در سنه ۱۲۹۶ هجری قمری که دو نفر از رعیت‌های دوانی نزد معتمدالدوله جهت شکایت می‌روند، معتمدالدوله از آنها می‌خواهد که در مراجعت به دوان از اهل علم دوان بخواهند تا شرح حال زندگانی جلال‌الدین دوانی را برای او بنویسد. آنها در مراجعت این موضوع را با مرحوم آقا شیخ محمدعلی دوانی در میان می‌گذارند و او نیز رساله‌ای در شرح حال جلال‌الدین دوانی^۱ به نگارش درمی‌آورد. رساله مزبور حاوی اطلاعات جالبی در مورد جلال‌الدین دوانی و تنی چند از مشاهیر دوان همچون شیخ علی‌بن‌احمدخطیب و مرحوم حاج ملاعبدالصاحب دوانی است. این رساله شامل

(۱) رساله مزبور در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی شماره ۳ و ۴ در تاریخ ۱۳۴۹ شمسی به چاپ رسیده است.

اولین فهرست جامع کتب و رسالات جلال الدین دوانی است.

آقا شیخ محمدعلی دوانی در تاریخ ۱۳۲۵ هجری قمری سؤالاتی از مرحوم آقای حاج زین العابدین خان کرمانی (پنجمین مرجع تقلید شیخها) نمود. پاسخها به صورت رساله‌ای در ۶۵۰ بیت به عربی تحریر شده که در مجمع‌الرسائل ۷۹ در چاپخانه سعادت کرمان به چاپ رسیده است.^۱

آقا شیخ محمدعلی دوانی اهل منبر نبود و در مقبره آقا شیخ عالی همه روزه نماز جماعت بجا می‌آورد. ایشان کارهای سندنویسی را هم انجام می‌داد و در اسنادی که از او باقی مانده دو نمونه خط نسخ و نستعلیق شکسته درجه ۲ دیده شده است.

شیخ محمدعلی دوانی به سال ۱۳۴۰ هجری قمری وفات نمود که جسدش را به بقعه شیخ عالی بردند و در سمت چپ در ورودی به خاک سپردند.

آقا ملا عبدالله دوانی

آقا ملا عبدالله دوانی فرزند آقاملا محمدجعفر دوانی ثالث در دوان متولد شد. مقدمات علوم و صرف و نحو را نزد پدر فراگرفت و عمدتاً تحت تأثیر عموی بزرگوار خود آقا ملا محمدعلی دوانی بود. آقا ملا عبدالله دوانی بعد از تفحص و بحث و مجادله با پدر و عموهایش، نهایتاً گرایش به مکتب اصولی پیدا کرد و لذا با علمای خارج از دوان همچون آقا سیدحسن پیشنماز کازرون در رفت و آمد بود و مسأله رواج مکتب شیخی را در میان اهالی زادگاه خود با آنها مطرح می‌نمود. او هرگاه به دوان مراجعت می‌نمود، جو بحث در مورد تفاوت‌های سه مکتب را ایجاد می‌کرد و همه علما را به مباحثه دعوت می‌نمود، تا اینکه بعد از مراجعت عمویش آقا شیخ عالی دوانی از کرمان در سال ۱۳۰۰ هجری قمری، مسأله برخورد بین شیخی و اصولی در دوان بوجود آمد و آقا ملا عبدالله دوانی مجبور به مهاجرت از دوان شد.

آقا ملا عبدالله دوانی ابتدا به کازرون و سپس به بلاد اطراف رفت و در این ایام با علمای مختلف آشنا گردید. در سال ۱۳۰۵ هجری قمری مدتی را در قلات از توابع شیراز نزد مرحوم

ملا محمد علی فرزند مرحوم اسمعیل قلاتی بسر برد و این شیخ عزت و احترام زیاد بر ملا عبدالله روا داشت. در این ایام ملا عبدالله به مطالعه و تصنیف مشغول بوده است. سپس به طرف بوشهر حرکت کرده و در سال ۱۳۱۰ هجری قمری در آن بلاد به سر می برده است.

آقا ملا عبدالله دوانی در سال ۱۳۱۵ هجری قمری تصمیم گرفت که برای تکمیل مدارج علمی خود عازم نجف اشرف شود. پس از تحمل رنج سفر در اول ماه ذی حجة الحرام سال ۱۳۱۵ هجری قمری وارد نجف شد. بعد از ورود به نجف ابتدا در مدرسه قوام معروف به مدرسه فتحیه سکونت گزید و ابتدا در محضر آقا شیخ اسدالله مازندرانی الاصل نجفی حاضر شد. نزد این استاد بزرگوار به تحصیل صرف و نحو و دوره کتاب شرایع الاحکام مشغول گشت.

بنابر گفته خود ملا عبدالله، هر روز پس از فراغ از درس در منزل خود در گوشه مدرسه در کنج اتاق می نشست و مشغول به مطالعه می شده و پس از مطالعه فوراً آنچه را که در روز نزد استاد خود فرا گرفته، می نوشته است. به همین لحاظ در بین آثار ملا عبدالله دوانی با خلاصه کتب برمی خوریم که مربوط به ایام تحصیل ایشان بوده است. او تا سنه ۱۳۱۷ هجری قمری نزد آقا شیخ اسدالله مازندرانی به تحصیل مشغول بوده است.

در سال ۱۳۱۷ هجری قمری در محضر درس مرحوم ملا محمدحسین کازرونی در نجف اشرف حاضر شد و از دریای معلومات آن استاد، دروس فقهی را فرا گرفت. سپس در سنه ۱۳۱۸ هجری قمری به خدمت آقا شیخ جعفر شیرازی فرزند مرحوم مغفور حجة الاسلام آقا شیخ محمدحسین شیرازی رفته به تحصیل علم پرداخته و عمدتاً نزد ایشان کتاب المغنی را دوره نموده است. همچنین آقا ملا عبدالله در سنه ۱۳۱۹ هجری قمری در نجف اشرف نزد حاج شیخ عبدالرحیم یزدی به فراگیری مدارج عالی علمیه پرداخته است.

آقا ملا عبدالله دوانی تا سنه ۱۳۳۳ هجری قمری در نجف اشرف مشغول تحصیل علم بوده و رابط او با برادرش ملا محمد باقر دوانی، آقا سیدحسن پیشماز کازرون بوده است. ملا عبدالله در این سال به بوشهر مراجعت کرد و علت آمدن خود را به ایران در نامه ای به ملا عبدالمجید علامه زاده چنین نقل کرده است: «... در این اوقات وارد بوشهر شدم به سبب کتابهای مرحوم والد بود

که به حقیر رسید...^۱ ایشان در ایامی که در نجف به سر می‌برده تنگدست شده و یکی دیگر از دلایل مراجعت به ایران آن بوده است که باغهایی را که در دوان متعلق به ایشان بوده به فروش برسانند و از وجه آن جهت مخارج زندگی استفاده نماید. آنچه مسلم است این است که ملاعبدالله دیگر هیچگاه به دوان مراجعت ننموده و کتب را برای او ارسال داشتند که بعدها کتب مزبور به عموزاده او مرحوم ملامحمد ابراهیم علامه زاده رسید.

آقا ملا عبدالله دوانی دارای تألیفات متعددی بوده است. بعضی از تصنیفات خود را هنگامی که در دوان و بلاد مختلف ایران بوده به رشته تحریر درآورده و قسمت دیگر را در ایام اقامتش در نجف اشرف نوشته است که مهمترین آنها عبارت است از: ^۲ مجموعه دعا (۱۲۹۷ هـ ق) - آگاهی از نیک و بد امور (۱۲۹۷ هـ) - فال نامه (۱۲۹۷ هـ ق) - یک فائده (۱۳۰۷ هـ ق) - شرح جامی - شرح الصمدیه - شرح کتاب الصلوة - رساله الشریفه (۱۳۱۹ هـ ق).

آقا ملاعبدالله دوانی علاقه زیادی به شعر داشته است. اگر چه خود از قریحه شعری برخوردار بوده، اما با اشعار جالبی که برخورد می‌کرد در معنی و تفسیر آنها کار می‌نموده. حاصل بررسی اشعار رساله‌ای است به صورت مجموعه معانی اشعار که در آن اشعار عربی جالبی را معنی و تفسیر نموده است. رساله مزبور به فارسی و در ۱۷ صفحه است.

آقا ملا عبدالله دوانی تا آخر عمر در نجف اشرف باقی ماند و در همانجا از دنیا رفت.

آقا ملامحمد باقر دوانی

آقا ملامحمد باقر دوانی فرزند ملامحمدجعفر دوانی ثالث در ۲۱ رجب سال ۱۲۷۴ هجری قمری در دوان متولد شد. از همان سنین کودکی نزد پدر خود که عالمی وارسته بود تعلیم یافت و استعدادی عجیب در فراگیری علم صرف و نحو از خود نشان داد. او توانایی عجیبی در

(۱) نقل از نامه ملامحمدباقر دوانی به برادر خود ملاعبدالله دوانی به تاریخ ۱۳۳۰ هجری قمری و همچنین از نامه ملاعبدالله دوانی به ملاعبدالمجید علامه زاده به تاریخ ۲ ذی حجة ۱۳۳۳ هجری قمری. نسخه اصلی هر دو نامه نزد اینجانب عبدالعلی لهسانی زاده موجود است.

(۲) کلیه نسخه‌های خطی کتب ملاعبدالله دوانی که در این دوران بر رشته تحریر درآمده در کتابخانه شخصی اینجانب عبدالعلی لهسانی زاده می‌باشد.

نسخه برداری کتب دینی داشت، لذا پدر به هر کجا که سفر می کرد محمدباقر را با خود می برد و او تقریباً نقش منشی پدر را بازی می نمود. از این رهگذر او هم از محضر پدر و هم از محضر اساتید پدر برخوردار می شد. در ایامی که پدرش نزد علمای آل عصفور بود (۱۲۸۵ هجری قمری) محمدباقر در سن ۹ سالگی نزد محمدشریف اعلم العلماء و افضل الفضلا جناب حاجی شیخ عبدعلی سلمه الله تعالی فرزند آقا شیخ خلف بن آل عصفور درس می خواند و با وجود سن کم به نسخه برداری کتب مشغول بوده است.

آقا ملامحمدباقر دوانی در مراجعت به دوان همیشه با برادر خود آقا ملاعبدالله دوانی به بحث و مجادله می پرداخت زیرا او بر مکتب شیخی بود و برادرش بر مکتب اصولی. در زمان این شیخ بزرگوار علمای زیادی در دوان وجود داشتند و مجالس بحث و فحصر در دوان داغ بوده است. آقا ملامحمدباقر در مسجد مرحوم پدرش (مسجد ملا محمدجعفر) پیشنماز بوده. از آنجایی که با حاج آقا سیدهاشم دوستی محکمی داشت، دختر خود را به عقد آقا سیدعبدالله هاشمی فرزند حاج آقا سیدهاشم درآورد و از این طریق پیوندی بین علمای دوان و سادات مهاجرت کرده به دوان بوجود آورد.

آقا ملامحمد باقر دوانی برعکس برادرش ملاعبدالله تا پایان عمر در دوان بسر برد و تنها یک سفر به نجف اشرف مشرف شد و در شهریور ماه سال ۱۳۱۶ هجری شمسی در سن ۸۰ سالگی به رحمت ایزدی پیوست و جسد شریفش را با احترامی خاص در زیر بقعه آقا شیخ عالی در جلوی در ورودی به خاک سپردند. آرزوی او این بود که در جوار قبر استادش آقا محمد شریف اعلم العلماء در نجف اشرف به خاک سپرده شود که این امر میسر نگردید.^۱

آقا شیخ احمد دوانی

آقا شیخ احمد دوانی فرزند آقا شیخ عالی دوانی ثانی در شب جمعه از ماه ذیقعده الحرام ۱۲۹۴ هجری قمری متولد شد. تمام دوران تحصیل را نزد پدر بزرگوار خود گذراند و عالمی با تحقیق شد. او صاحب کتابی در علم جغرافیاست که جزء تألیفات مهم اوست. در زمان حیات

(۱) این امر از نامه ایشان به ملاعبدالله دوانی به سال ۱۳۳۰ هجری قمری مشهود است. اصل این نامه نزد اینجناب عبدالعلی لهسانی زاده است.

ایشان آقا شیخ محمد کریم از علمای بهبهان به دوان مهاجرت کرد که با حضور این شیخ، مجالس بحث و فحوص بین ایشان برقرار بوده است. آقا شیخ احمد در دوان به رحمت ایزدی پیوست. از آثار او اطلاعات چندانی در دست نیست، اگر چه مطمئن هستیم که دارای تألیفاتی بوده است.

حاج آقا میر محمد دوانی

حاج آقا میر محمد دوانی فرزند علی اکبر در دوان متولد شد. اگر چه در خانواده یک زارع به دنیا آمده بود، اما به علت حضور در مجالس ذکر فضائل محمد و آل محمد علیهم السلام انگیزه فراگیری علوم دینی در وجودش مهیا شده بود. پس از آنکه مقدمات صرف و نحو را نزد علمایی چون آقا ملا محمد جعفر دوانی و آقا شیخ عالی ثانی گذراند، به مقدار زیادی تحت تأثیر مرحوم آقا شیخ عالی دوانی قرار گرفت. او شیفته مکتب شیخی بود و اگر چه از وجود آقا شیخ عالی در دوان نهایت استفاده علمی را می برد، اما همیشه در این اندیشه بود که برای دست یافتن به عمق این مکتب باید به منبع رجوع کرد.

حاج آقا میر محمد عزم خود را جزم و عازم کرمان گردید تا در محضر مرحوم حاج زین العابدین خان کرمانی (پنجمین مرجع تقلید شیخیه) در مدرسه ابراهیمیه به تحصیل علوم دینی بپردازد. ایشان مدت سی سال در کرمان اقامت گزید و ضمن فراگیری علوم مختلفه به درجه استادی نائل گشت، و در مدرسه ابراهیمیه به تدریس مشغول بوده است. مرحوم آقای حاج ابوالقاسم خان ابراهیمی (ششمین مرجع تقلید شیخیه) در شرح حال زندگانی خود می نویسد: «در اوان طفولیت.. در نزد مرحوم آقا میر محمد دوانی رحمة الله علیه که مرد عالم و متقی بود درس می خواندم»^۱

پس از فوت آقا شیخ عالی دوانی ثانی، حاج آقا میر محمد دوانی به دوان مراجعت کرد تا به رتق و فتق امور شرعیه بپردازد. ایشان اهل منبر بود و در امام زاده شاه سلیمان در ماههای محرم و صفر بعد از نماز مغرب بر منبر می رفت و ذکر فضائل می نمود. عقود مختلف اسلامی از کارهای اساسی ایشان بوده و با وجود سایر علما در دوان، اهل دوان مایل بودند که خطبه عقد

فرزندانشان را حاج آقا میرمحمد بخواند. آن مرحوم خطی بسیار زیبا داشت و آنچه که از او باقی مانده نشانگر خط نستعلیق شکسته درجه یک است.

حاج آقا میرمحمد دوانی در ایام کهولت به علت بیماری جهت معالجه عازم شیراز شد و در همین شهر به رحمت ایزدی پیوست. جسد شریفش را به آرامگاه حافظیه منتقل کردند و در محل کنونی کتابخانه حافظیه به خاک سپردند. چنین نقل می‌کنند شبی که ایشان از دار دنیا رفت زنی متمول در خواب می‌بیند که عالمی در فلان محل از دنیا رفته و او مأمور است که وسایل دفن را مهیا سازد. زن به هنگام صبح پی‌جو شده و پس از آنکه قضیه برایش مسلم می‌گردد، وسیله دفن آنجناب را در حافظیه فراهم می‌سازد

آقا ملامحمد ابراهیم علامه زاده

آقا ملامحمد ابراهیم علامه‌زاده فرزند مرحوم آقا ملامحمد علی دوانی در دوان متولد شد و تنها او بود که از میان برادرانش راه پدر را ادامه داد و به تحصیل علوم دینی پرداخت. ایشان ابتدا نزد پدر به فراگیری مقدمات علوم مشغول بود و بسیاری از مباحث علمی را از پدر دانشمندش فرا گرفت. پس از فوت پدر برای ادامه تحصیل به مدت سه سال عازم نجف اشرف شد و در آنجا نزد اساتید حوزه‌های علمیه به فراگیری علوم فقهی مشغول بود. سپس به دوان مراجعت کرد و همچون پدر به رتق و فتق امور شرعی و دنیوی پرداخت. از آنجایی که پدرش با اهالی کوهمره نودان در تماس بود، آقا ملا محمد ابراهیم هم قسمتی از سال را در آن دیار می‌گذراند و بخصوص با داشتن محضر سیار کارهای محضری آنها را نیز انجام می‌داد.

مرحوم ملامحمد ابراهیم علامه‌زاده نیز دارای تألیفات انگشت شماری بوده است. از ایشان شرح نصاب الصبیان موجود است. کتاب نصاب الصبیان را ابونصر فراهی برای پسرزاده‌اش به عربی به رشته تحریر درآورده. مرحوم ملامحمد ابراهیم علامه‌زاده شرح این کتاب را به فارسی چنین شروع می‌کند: «کتاب نصاب کلید همه علمهاست» و سپس شعر زیر را در وصف کتاب می‌نویسد:

چنین گوید ابونصر فراهی کتاب من بخوان گر علم خواهی

شرح نصاب الصبیان در واقع مقدمه تعلیم و تربیت کودکان است. متأسفانه از این کتاب تنها

سه صفحه اول آن به دست ما رسیده است.^۱

آقا ملامحمد ابراهیم اهل منبر نبود و اغلب اوقات را به مطالعه صرف می‌کرد. کتب خطی بسیاری را از پدر به ارث برده بود. مجلس درس مختصری هم داشت که یکی دو تا از اهالی دوان در روز در محضرش حاضر می‌شدند. همسر ایشان بانو رقیه علامه‌زاده فرزند آقا شیخ عبدالمجید علامه‌زاده است که زنی باتقوا و مکتب‌دار دوان بود. لذا منزل مرحوم کربلانی ملامحمد ابراهیم علامه‌زاده یک مدرسه به تمام معنی بود و کمتر دوانی است که از محضر این شیخ و همسرش بهره نگرفته باشد. آقا ملامحمد ابراهیم علامه‌زاده در خردادماه ۱۳۴۳ هجری شمسی مطابق محرم ۱۳۸۴ هجری قمری در دوان به رحمت ایزدی پیوست و طبق وصیت آن مرحوم، جسد شریفش را با احترامی خاص در ضلع شمالی بقعه آقا شیخ عالی به خاک سپردند.

حاج آقا سیدهاشم

سیدهاشم فرزند سید ابوالقاسم از سادات اهل تهران بود. مادرش دختر رضاقلی خان پسرخاله ناصرالدین شاه قاجار بوده است. مدت ده سال در عتبات عالیات به تحصیل علوم دینی مشغول بود و سپس به تهران مراجعت کرد. به علت بیماری همسر، به کرمان سفر کرد و در کرمان به خدمت مرحوم آقای حاج محمدخان کرمانی (چهارمین مرجع تقلید شیخیه) رسید. در ایامی که در کرمان بسر می‌برد به مجلس درس آقای حاج محمدخان کرمانی حاضر می‌شد و از محضر ایشان فیض می‌برده. حاج آقا سیدهاشم در ضمن فراگیری علوم دینی در طب نیز دست داشته و حکیمی ماهر بوده است.

آقا سیدهاشم کرمان را به سمت فارس ترک و پس از مدتی اقامت در برازجان به کازرون آمد. در کازرون از دوان مطلع گردید و پس از بازدیدی که از دوان داشته و با علمایی چون مرحوم آقا ملامحمد جعفر دوانی ثالث آشنا گردیده، تصمیم می‌گیرد که در دوان اقامت گزیند. در دوان ایشان هم به طبابت می‌پرداخته و هم مردم از دعاها و گویای او بهره می‌جستند. گویند دستی شفا بخش داشته و دوانی‌ها اعتقادی عجیب نسبت به او پیدا کردند. شخصی بسیار متدین بود و هشت مرتبه به مکه مشرف شد که یک بار برای خود و هفت مرتبه به نیابت مردم بوده است.

(۱) این سه صفحه نزد اینجناب عبدالعلی لهسانی زاده است.

اگر چه آن مرحوم اهل منبر نبود اما همه ساله در ماه محرم و صفر در منزل روضه خوانی داشت که محل تجمع عاشقان حسین (ع) بوده است. آخرین مرتبه‌ای که به مکه مشرف شد پس از مراجعت به بیماری دل درد مبتلا شد و در ماه ربیع الثانی ۱۳۲۸ هجری قمری به رحمت ایزدی پیوست. جسدش را در منزلش به خاک سپردند و امروزه مقبره آقا زیارتگاه دوانی‌هاست و مردم به آنجا می‌روند و نذر و نیاز می‌کنند و حاجت می‌طلبند.

حجت‌الاسلام استاد علی دوانی

استاد علی دوانی در مهرماه ۱۳۱۰ هجری شمسی در روستای دوان متولد شده است. تا سن هفت سالگی در دوان بسر برده، و بعد از آن نزد اقوامش به آبادان رفت. در آبادان دو کلاس اکابر (معادل ۶ کلاس ابتدایی) را طی کرد و وارد آموزشگاه فنی شرکت نفت شد.

حدود سال ۱۳۲۲ برای تحصیل علوم دینی عازم نجف اشرف شد و به مدت پنج سال و نیم در حوزه علمی نجف نزد استادانی چون شهید آیت‌الله مدنی، آقا شیخ علی کاشانی، میرزا محمد اردبیلی، شیخ محمد غروی، آیت‌الله محمدرضا طبسی و آیت‌الله حاج میرزا علی فلسفی تحصیل کرد و کتاب «قوانین» در علم اصول فقه و جلد اول «شرح لمعه» را به پایان رسانید.

در اوایل سال ۱۳۲۷ به دلیل کسالت و به منظور تغییر آب و هوا به کشور بازگشت و به جهت زیارت بارگاه علی‌ابن موسی الرضا (ع) عازم مشهد مقدس شد. سپس به نهبان رفت و با دختر مرحوم آیت‌الله آقا احمد آل آقا نهبانندی از سلانه استاد کل وحید بهبهانی ازدواج کرد.

استاد دوانی پس از ازدواج برای تکمیل تحصیل خود در قم اقامت گزید و در حوزه علمی محضر اساتیدی چون: استاد فقیه علامه طباطبائی (تفسیر قرآن و فلسفه)، شهید آیت‌الله صدوقی (قسمتی از سطح عالی)، مرحوم امام خمینی (ره) (درس خارج از اصول فقه) و آیت‌الله عظمی بروجردی قدس سره (خارج از فقه استدلالی) تلمذ کرد و بعد از ۲۲ سال دروس حوزوی را به پایان رسانید.

استاد دوانی کار خود را در کسوت روحانیت در دو شیوه متمرکز کرده است. یکی منبر و سخنرانی دینی و دیگر تألیف و تصنیف کتب مذهبی. بر این اساس سال‌ها در استان‌های کشور و چند سال نیز در کویت، ماه‌های مبارک رمضان، محرم و صفر به ایراد سخنرانی پرداخت. در قم با جمعی از فضلاء حوزه علمی مجله دینی «درسهایی از مکتب اسلام» را منتشر کرد که هم‌اکنون

ادامه دارد.

از سال ۱۳۵۰ به تهران آمد و در تهران نیز هر دو مقوله سخنرانی و تألیف کتب دینی را ادامه داد و موفق شد ۷۶ جلد کتاب در زمینه‌های تألیف، تصنیف، ترجمه، تصحیح و تهذیب منتشر کند. بعلاوه حدود ۸۰ مقاله تحقیقی نیز در جراید به چاپ رساند. در زمینه تدریس نیز در دانشگاه‌های مختلف از جمله دانشگاه تربیت معلم، امام صادق (ع)، امام حسین (ع)، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم قرآنی و... در موضوعات تاریخ اسلام، سیره ائمه معصومین، تاریخ فقه، تاریخ تراجم و رجال و... فعالیت دارد. استاد دوانی در حدود ۳۰ کنگره علمی شرکت کرده و مقالات او در بیشتر این کنگره‌ها به چاپ رسیده است.

برخی از آثار مهم ایشان به شرح زیر است: ۱ - شرح زندگانی استاد کل وحید بهبهانی، ۲ - شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی، ۳ - نگاهی کوتاه به زندگانی پرافتخار سیدرضی، ۴ - مشاهیر فقها و مراجع تقلید شیعه، ۵ - نهضت روحانیون ایران (۱۱ جلد)، ۶ - هزاره شیخ طوسی.

نتیجه‌گیری

بررسی علما و مشاهیر دوان نشان می‌دهد که چگونه روستایی کوچک می‌تواند به لحاظ علمی بزرگ باشد و چگونه دوان در هر دوره اسلامی ارائه دهنده علمای بزرگی بوده است. روستایی که در طول چهارده قرن بیش از سی عالم بزرگوار را تربیت کرده و به عالم اسلام تقدیم نموده است. اگر فرهنگ روستایی همچون دوان در سطح بالایی است دلیل آن همان وجود اندیشمندانی چون جلال‌الدین دوانی بوده است.

محیط باز علمی روستا باعث شد که نه تنها روستاییان در دورانهای مختلف مکاتب متنوعی را تجربه نمایند، بلکه در یک دوره هم چندین مکتب را در جوار هم داشته باشند. همجواری مکاتب در دوان فضای بحث و جدل را در روستا حاکم کرده بود به طوری که اغلب در مجالس، بحث بالا می‌گرفت. اگر چه مباحثه علمی وجود داشته، اما محیط یک ارتباط دوستانه را بین علمای طرفدار مکاتب مختلف حاکم می‌نموده است. آنچنان محیط بحث باز بوده که علمایی از خارج از روستا در مجالس شرکت می‌کرده‌اند و حتی به دلیل جو علمی حاکم بر این روستا علمایی نیز از سایر نقاط به دوان مهاجرت کرده‌اند.

مؤلفانه

با سپاس از کلیه مردم دوان که هر یک به نحوی در گردآوری این مجموعه مؤلفین را یاری رسانده‌اند، بحث تاریخ و فرهنگ مردم دوان را به پایان می‌بریم. فصول سیزده گانه کتاب نشان داده که هر روستا ضمن اینکه جزئی از یک کل فرهنگی است، اما دارای ویژگیهایی خاص است. بنابراین تاریخ و فرهنگ مردم دوان اگرچه تحت تأثیر تاریخ ایران، بخصوص تاریخ منطقه فارس بوده و بالطبع دستخوش تحولات و دگرگونیهایی شده، اما چنانکه ملاحظه شد این تغییرات باعث از هم پاشیدگی و بی هویت شدن فرهنگ غنی آن نشده، بلکه بنا به شرایط، و موافق با فرهنگ روستا، باعث غنی‌تر شدن هر چه بیشتر آن گردیده است. عوامل متعددی در این غنای فرهنگی دست داشته که می‌توان آنها را به صورت زیر خلاصه نمود:

- طبیعت روستا، طبیعتی کوهستانی، سخت و کم آب است. بنابراین زندگی مردم دارای ویژگیهای زندگی کوهنشینان است. جمعی زندگی دامداری را تا کنون ادامه داده و برخی زمینهای بایر روستا را تا بالاترین نقاط کوهستانهای اطراف به زمینهای زراعی و باغ تبدیل کرده‌اند. طبیعت سخت روستا هم از حیث دامداری و هم از حیث کشاورزی، مردم را سخت‌کوش و مقاوم بار آورده و باعث شده که دوانی‌ها دارای خوی و خصلتی جدا از مردم جلگه‌نشین کازرون باشند. - مذهب و اعتقادات مردم را می‌توان یکی از شاخص‌ترین عواملی دانست که در پیوند مردم نقش اساسی دارد. چنانکه در فصل مذهب اهل دوان ملاحظه شد، در طی تاریخ روستا، مردم در

جریان تحولات عقاید مذهبی قرار داشته‌اند. اگرچه در کوران این تحولات افکار مذهبی مردم دستخوش دگرگونی بوده، اما این امر نشان از پویایی تفکرات مردم دارد، زیرا در نهایت منجر به انتخاب بهترین عقیده مذهبی که همانا تشیع باشد شده است.

- زبان اولین و مهمترین وسیله ارتباطی بین انسانها شناخته شده است. از این جهت می‌توان زبان را شاخص‌ترین عامل پابندی انسان نسبت به استقلال فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دانست. گویش دوانی یکی از لهجه‌های فارسی میانه است که از دیرباز تا به امروز باقی مانده و به عنوان یکی از گویشهای زنده و مطرح در میان گویشهای ایرانی، قابل توجه و بررسی است. به جرأت می‌توان گفت که این گویش مهمترین عامل پویایی فرهنگی مردم دوان بوده و آنان را واداشته تا داشته‌های فرهنگی خود را حفظ کنند و تا به امروز به عنوان یکی از گویشهای مستقل به جامعه معرفی نمایند.

- همدلی مردم دوان از سالها پیش ورد زبان مردم منطقه بوده، زیرا از سالها پیش باعث شده که مالکیت زمینهای زراعی را با مقابله و مبارزه خستگی ناپذیر از دست خوانین و مالکان دوره‌های قاجار و پهلوی بدر آرند و خود صاحب آنچه که ساخته و پرداخته‌اند باشند و پیشاهنگان خرده مالکی در سراسر فارس و حتی در ایران باشند. این امر نقطه عطفی در زندگی مردم دوان بوده و بر اساس آن برای بدست آوردن حقوق خود اقدام می‌نمایند.

- تاریخ ملتها را بر اساس آثار و ابنیه بجا مانده از قرون گذشته قضاوت می‌کنند. معماری سنتی روستای دوان با تاریخی حدود ۲۰۰۰ ساله حتی امروزه هم دارای ویژگیهای معماری قدیم ایران است. قدمت روستا رانه تنها در معماری سنتی، بلکه در آداب و رسوم، اعتقادات و مذهب، گویش، طب سنتی و بسیاری از سنتهای دیگر این روستا نیز می‌توان دید این خود باعث هماهنگی بافت روستا و در نتیجه هماهنگی در روحیه و سلوک مردم شده است و مردم را بر آن داشته که در حفظ میراث فرهنگی خود بکوشند.

- در جامعه‌های سنتی، یاری رساندن به یکدیگر یکی از سنتهای دیرین مردم بوده و هست. در دوان تعاون برای انجام امور همگانی روستا و در نتیجه ایجاد تحول جهت زندگی بهتر یکی از شاخص‌ترین اعتقاداتی است که در میان مردم رواج دارد. مردم دوان در مقاطع مختلف نشان داده‌اند که با توجه به توان مالی و کاری از هیچ کوششی برای رساندن امکانات رفاهی به روستا

فروگذار نکرده‌اند. پروژه‌های مختلفی که گاهی توأم با اختلاف سلیقه و نظر نیز همراه بوده است نشان دهنده این همیاری همگانی است. اغلب برنامه‌های عمرانی روستا نتیجه همیاری مردم است که باعث شده روستا دارای همه امکانات رفاهی مثل آب لوله کشی، برق، پست، تلفن، درمانگاه، جاده آسفالت، مدرسه‌های مختلف، مسجد و سالن سخنرانی و وعظ باشد.

- روند و نتیجه مهاجرت روستاییان از دوان، نه در جهت ترك دائمی روستا بلکه برای دستیابی به کار و تأمین زندگی بهتر برای خود و خانواده مانده در دوان بوده است. اغلب مهاجران سالی یک یا چند مرتبه به روستا سر می‌زنند و در صورتی که نیاز به کمک آنها باشد، از هیچ کمکی دریغ نمی‌کنند. از این رو روستا نه تنها به طرف تخلیه و ویرانی نمی‌رود، بلکه با همیاری مردم علاقمند به زادگاه خود روز به روز آبادتر و پررونق‌تر می‌گردد.

- علما و مشاهیر دوان سهم بسزایی در پیشرفت علم و دین و معرفت و غنای فرهنگی مردم دوان داشته‌اند و چنانکه ملاحظه شد در طی زمان، دوان همیشه دارای علما و مجامع و مکاتب علمی بوده که در سطح منطقه معروف و زبانزد بوده‌اند.

در پایان باید یاد آور شد که روستاهای فراوانی وجود دارد که چون روستای دوان قابل طرح و بررسی است. بنابراین لازم و ضروری است که پژوهشگران فرصت را از دست ندهند و برای بررسی همه جانبه روستاهای ایران کمر همت ببندند.

منابع و مآخذ

فصل اول

- اسکات، درک. حسین مروج همدانی و علی ادهمی میرحسینی ۱۳۶۱، پرنندگان ایران. تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
- بهروزی، محمدجواد. ۱۳۴۶، شهر سبزی یا شهرستان کازرون. شیراز: انتشارات کانون تربیت.
- ثابتی، حبیب الله. ۱۳۴۶، جنگلهای ایران. تهران: مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- شرکت سابراکو، ۱۳۴۷، مطالعات توسعه کشاورزی و آبیاری و منابع آب دشتهای کازرون و خرامه فارس، خلاصه گزارشهای منطقه کازرون. تهران: شرکت سابراکو.
- وزارت نیرو، ۱۳۶۰، آمار هواشناسی منطقه فارس، مربوط به سال آبی ۵۸-۱۳۵۷. شیراز: وزارت نیرو، سازمان آب منطقه‌ای فارس، امور بررسی منابع آب.
- یوسفی، عباس، ۱۳۴۰، گزارش خاک شناسی نیمه تفصیلی منطقه کازرون فارس. نشریه شماره ۳۶، وزارت کشاورزی و منابع طبیعی، مؤسسه خاک شناسی و حاصلخیزی خاک، تهران.

فصل دوم

- بهنام، جمشید و راسخ، شاپور. ۱۳۴۸، مقدمه بر جامعه‌شناسی ایران. تهران: انتشارات خوارزمی.